

بحث مدیریت زندگی متأثر از هدف زندگی است

یک عضو هیئت علمی دانشگاه هنر گفت: مدیریت زندگی، اصلی متأثر از فهم هدف زندگی است، یعنی ما گاهی اوقات در پایان یک عمر پر از رنج و فراز و نشیب وقتی از ما بپرسند....



یک عضو هیئت علمی دانشگاه هنر گفت: مدیریت زندگی، اصلی متأثر از فهم هدف زندگی است، یعنی ما گاهی اوقات در پایان یک عمر پر از رنج و فراز و نشیب وقتی از ما بپرسند برای چه چیزی زندگی کردید پاسخ روشنی نداریم. حجت الاسلام والمسلمین علی سرلک عضو هیئت علمی دانشگاه هنر در مورد اینکه اصولاً افراد چقدر در جامعه برای مدیریت زندگی آموزش می بینند به خبرنگار مهر گفت: مهمترین اشکالی که در بحث مدیریت زندگی داریم بحث هدفمندی زندگی است. نوعاً نمی دانیم برای چه داریم زندگی می کنیم فقط به هر شکل ممکن زندگی می کنیم. مدیریت زندگی، اصلی متأثر از فهم هدف زندگی است. یعنی ما گاهی اوقات در پایان یک عمر پر از رنج و فراز و نشیب وقتی از ما بپرسند برای چه چیزی زندگی کردید پاسخ روشنی نداریم. تصمیمان درستی در زندگی امان نگرفتیم.

وی تصریح کرد: قصه مدیریت زندگی برای اینکه خودش را لابلای سختی ها و شیرینی ها ناگاه و بی گاه پنهان کرده ما به این مسئله اهتمام کافی نداریم. نه خانواده ها بچه هایشان را برای نقش های خانوادگی و اجتماعی آماده می کنند و نه بچه ها عملاً نتیجه گرفته اند که باید چیزهایی را بیاموزند. جامعه ما برای اینکه پرشتاب و پر عجله است این هم بخاطر تکنولوژی ها توانمندی که در اختیار داریم صبر و حوصله امان به آموختن کم شده است. اهمیت آموختن را درک نکرده ایم. نوعاً جوانها مهارت چندانی برای زندگی موفق بدست نیاورده اند. خانواده ها هم در این میانه خیلی خودشان را موظف به آموزش مدیریت زندگی به فرزندان نمی دانند.

سرلک عنوان کرد: به هر حال بحث مدیریت زندگی یک بخش آن مفهومی و هدف زندگی و فلسفه حیات است بعد سبک زندگی و شیوه و سلوک زندگی که خودش را در انتخاب دوست، همسر، شغل، محیط زندگی، در فرزندداری و فرزندآوری نشان می دهد. همه اینها پر شده از حباب ها و چیزهایی که می توانیم بگوییم خلأهای تصمیم گیری هستند.

این محقق و پژوهشگر مسائل دینی در مورد اینکه در بحث مدیریت زندگی دچار چه ضعف هایی هستیم هم یادآورشده: مهمترین ضعف، ضعف مهارت ارتباطی ماست. یعنی آدمها در ضمن اینکه چگونه با هم گفتگو کنند چگونه به هم گوش بدهند چگونه با طرف مقابلمان برخورد کنیم دچار ضعف هستند. به همین خاطر آستانه تحملمان به شدت پائین آمده، ضعف گفتگو که الان در آن یک مسائل غیر جدی و حاشیه ای آمده اصالت پیدا کرده برای مثال روی آوردن بیش از حد ما به رسانه های دیداری شنیداری است. این رسانه ها ابزارهایی هستند که حالا وقت ها را آنها مدیریت می کنند که وقتمان را چگونه بگذرانیم. در مهارت ارتباطی مان دچار ضعف هستیم و برای جبران این ضعف از رسانه ها و سایت ها و اینترنت و ابزارهای ارتباطی بهره می گیریم.

عضو هیئت علمی دانشگاه هنر یادآور شد: وقتی یک همسر یا یک مادر نمی تواند با اعضای خانواده اش یک ارتباط شاد م موثر و موفق ایجاد کند طبعاً به سمت پناهگاه های خیالی که رسانه ها باشند روی می آورد. به نظر می رسد ضعف مهارت ارتباطی ما عمدتاً در ضعف مهارت ارتباط کلامی است و این ضعف خودش را در گفتگوها نشان می دهد. این ضعف جزو آن دره های هولناکی است که خیلی ها در آن سقوط کرده اند. اگر کسی بتواند به قله هایش صعود کند و یک ارتباط کلامی هدفمند و مؤثری ایجاد و برقرار کند ضعف ها و مشکلات خودش را هم تا حدود زیادی برطرف کرده و یا از بین می برد.

این محقق و پژوهشگر مسائل دینی در مورد اینکه اهمیت مدیریت زندگی در کاستن از ناهنجاری های اجتماعی چیست هم عنوان کرد: جامعه آن عکس تکثیر شده خانواده هاست. هر چقدر این عکس تراکم نقاطش بیشتر باشد وقتی خواستیم بزرگش کنیم و منتشر شود زیباتر می شود. اما اگر در خود این عکس تراکم کم باشد و نقطه های تصویری خیلی بافاصله باشند وقتی عکس بزرگ می شود تبدیل به یک اتفاق نامفهوم می شود. خانواده ها وقتی در درونشان مهارت ها و مدیریت ها جدی گرفته نشود اعضای آن خانواده وقتی وارد اجتماع می شوند و یک صحنه وسیعتری در برابرش قرار می گیرد به عنوان یک بروز و ظهور، این آسیب ها و نگرانی های خانواده خیلی بیشتر می شود. به واقع جامعه انعکاس خانواده هاست. اگر کسی بخواهد جامعه را درست کند باید از خانواده ها شروع کند.

سرلک بیان داشت: یک آدم موفق در درجه اول آدمی است که رابطه های خانوادگی اش را محکمتر و هدفمندتر قرار می دهد. اگر یک آقایی نتوانست در خانه با همسرش رابطه خوب و صمیمانه برقرار کند این شخص در محیط کار در شاخصه های کمی

حالا ممکن است یک آدم موفق باشد ولی هرگز نمی تواند یک مدیر موفق باشد.